

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شماره اول (پیاپی ۵) بهار ۱۳۹۸، صص ۳۳۵-۳۵۲

پیشگیری از جرم با توسل به کیفرزدایی طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۰

خاطره کرباسی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۱

سید ابراهیم قدسی (نویسنده مسئول)^۲

مریم آقائی بجنانی^۳

چکیده

جدال با بزه و بزه‌کاری همواره گریبانگیر جوامع انسانی بوده است. در این جدال بی‌امان، انسان از گذشته‌های دور تاکنون راه‌حل‌های بسیاری را تجربه کرده و در این میان یعنی آسان‌ترین راه را برگزیده است؛ اعمال کیفر. رشد فزاینده بزه‌کاری و افزایش نرخ جرایم و بی‌تاثیری اعمال برخی از کیفرها، دست اندرکاران نظام عدالت کیفری را به فکر ارائه راه حل‌های جایگزین انداخت که کیفرزدایی یکی از آنهاست. فی الواقع ما ابتدائاً به دنبال پیشگیری از جرم می‌باشیم و یکی از راه‌های پیشگیری از جرم کیفرزدایی می‌باشد. مفهوم کیفرزدایی شامل کلیه اشکال تراکم زدایی از سیستم کیفری می‌شود، دربردارنده حوزه‌های مختلفی نظیر قضاودایی و تعقیب زدایی و نیز در برخی از موارد جرم زدایی می‌گردد. نویسندگان نوشتار حاضر بعد از پرداختن به مبانی و ضرورت کیفرزدایی به بیان رویکردها و فرآیند کیفرزدایی می‌پردازد و از این رهگذر مصادیق و جلوه‌های کیفرزدایی را در قانون مجازات اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: پیشگیری از جرم، کیفرزدایی، جرم زدایی، قانون مجازات اسلامی

^۱ دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

^۲ دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران

ghodsi@umz.ac.ir

^۳ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۱- بیان مسئله

کیفر زدایی یک جنبش نوین در چهارچوب سیاست کیفری نظام مند است که اهداف اساسی آن تعدیل و متناسب نمودن خاصیت کیفری مجازات و یا حذف کیفر از یک رفتار مجرمانه و جایگزین نمودن اقدامات غیر کیفری در جهت اصلاح و تربیت مجرم است به طوری که با نیازها و تحولات جامعه هماهنگ باشد. مبدع این اندیشه انریکو فری از اندیشمندان مکتب دفاع اجتماعی بوده که بعدها عقاید او توسط بنیانگذاران مکتب دفاع اجتماعی نوین گسترش یافت. در این فرایند واکنش جامعه در قبال جرائم حتی الامکان غیر کیفری شده و با این نگرش که مجازات تنها پاسخ مناسب برای اعمال خلاف مقررات اجتماعی نمی باشد می توان با حذف یا کاهش کیفر- در مواردی که موثرتر و مفیدتر از کیفر دادن است - به نتایج مطلوبتری دست یافت. (مرادی پسند و بشیریه و غلامی، ۱۳۹۹: ۲۶۴)

در واقع کیفرزدایی جنبش نوینی است که به دنبال تعدیل و متناسب کردن خاصیت کیفری مجازات و یا سلب وصف جزایی از یک رفتار مجرمانه و جایگزین کردن اقدامات غیرکیفری در جهت اصلاح و تربیت مجرم است. (عباسی کلیمانی، رنگچی تهرانی، ۱۳۹۸: ۱۷۲)

ریشه های اولیه کیفر زدایی را باید در جنبش حبس زدایی و زندان زدایی (decarceration) جست و جو کرد. بعدها با ظهور علم کیفرشناسی و تأکید بر بازدارندگی مجازات ها به جای شدت آنها، کیفر زدایی مورد توجه جرم شناسان قرار گرفت. تاریخچه کیفر زدایی را می توان در جمله کوتاه «ایهرینگ» (جرم شناس معروف) خلاصه کرد که گفته است: «تاریخ حقوق جزا، تاریخ الغای مستمر کیفر است» (گسن، ۱۳۷۰: ۱۹)

از قرن ۱۸ میلادی به بعد، به ویژه بعد از نهضت فکری بکاریا و به دنبال آن، جنبش مکتب تحقیقی حقوق جزا، به این موضوع جنبه علمی داده شد و این فکر در بین متفکران و مصلحان اجتماعی تقویت شد که هدف مجازات فقط تعذیب و تنبیه در قبال نقض قواعد و مقررات حاکم بر جامعه نیست، بلکه مجازات یک وسیله پیشگیری فردی و عمومی، با هدف اصلاح و درمان است. کیفرزدایی به عنوان روشی برای بهبود عدالت کیفری و هم به عنوان اقدامی برای کاهش هزینه ها رواج یافته است. کیفر زدایی منافع قابل توجهی را برای تمام دستگاه عدالت کیفری به ویژه متهمان ارائه می دهد. در واقع می توان هدف کیفرزدایی را درین جمله خلاصه کرد: هدف نهایی نظام حقوقی کیفری نمی تواند حذف کیفر باشد اما می تواند کاهش آن باشد.

پیش بینی کیفر زدایی ممکن است توسط خود قانونگذار تحت شرایطی در متن قوانین جزایی به عمل آمده باشد (کیفر زدایی قانونی) و یا اینکه اختیار اعمال آن در دست قاضی دادگاه باشد (کیفر زدایی قضایی).

۲- ضرورت کیفرزدایی در نظام حقوقی ایران

با توجه به اینکه در نظام حقوقی ایران برای مدیریت چالش های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کیفری گرایي زیاد است، به خصوص در دهه اخیر سه راهبرد جرم زدایی، قضازدایی و کیفر زدایی ترسیم شده است که از میان اضلاع این مثلث، راهبرد کیفر زدایی در کانون توجه قرار دارد، به گونه ای که اگر چه در سیاست های کلی قضایی ابلاغی ۱۳۸۱ و نیز سیاست های کلی برنامه های چهارم و پنجم توسعه ابلاغی ۱۳۸۲ و ۱۳۸۷ در خصوص ضمانت اجراءها صریحاً موضوعی مطرح نشد، ولی در بند ۱۲ سیاست های کلی قضایی پنج ساله ابلاغی ۱۳۸۸ به حبس زدایی و در بند ۶۴ سیاست های کلی برنامه ششم توسعه، افزون بر آن به «متناسب سازی مجازات ها با جرایم» اشاره شده است.

در قوانین برنامه پنج ساله توسعه به موضوع کمینه گرایي کیفری با محوریت جرم زدایی توجه بیشتری شده است، به گونه ای که در بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳، قوه قضائیه مکلف به ارائه دو لایحه در خصوص جرم زدایی از قوانین کیفری و جایگزین های حبس شد. همچنین در بند (الف) ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ قوه قضائیه مکلف شد به منظور کاهش عناوین مجرمانه و دعاوی، استانداردسازی ضمانت اجراء های کیفری و جایگزین کردن ضمانت اجراءهای غیرکیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی حداکثر لوایح قضایی مورد نیاز را تهیه کند (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۸۵). همچنین، طبق بند (ج) ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵، قوه قضائیه مکلف شده است به منظور بازنگری در مصادیق عناوین مجازاتهای سالب حیات با توجه به تغییر شرایط، کاهش عناوین مجرمانه و استفاده از ضمانت اجراءهای انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی و نیز متناسب سازی مجازات ها با جرایم، نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین جزایی اقدام کند. همین حکم در بند (الف) ماده ۲۸ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵ نیز پیش بینی شده است. مطابق این بند، غیر کیفری سازی ضمانت اجراءها تبدیل به یک دغدغه دائمی برای سیاستگذاران جنایی و توسعه ای شده است و قوه قضائیه موظف است لوایح مورد نیاز مربوط را تهیه کند. بدین ترتیب، روشن است کیفر زدایی در ایران در دوران کنونی «سیاستگذاری» شده است. برای اجرای موفق یک سیاست در یک نهاد یا سازمان، همراهی و همسویی عناصر فعال (کنشگران) آن نقشی کلیدی را ایفاء می کند؛ زیرا آنان مجریان واقعی و اصلی اجزای آن سیاست هستند. اجرای کامل و درست سیاست سازمانی به عوامل مختلفی از جمله توجیه فعالان و آشنایی علمی و عملی آنان به راهبردها، اقدامات و چشم انداز مورد نظر بستگی دارد. از این رو، اگر جامع ترین سیاست را هم در یک سازمان بدون ویژگی های مذکور به اجراء درآوریم، به احتمال زیاد شاخص های ارزیابی نتایج مثبت را نشان نخواهند داد. بر این اساس، سیاست جامع را باید در سازمانی مشتاق و نظام مند برای موفقیت در مسیر اهداف آن اجرایی کرد. در غیر این صورت، فارغ از شکست احتمالی، اجرای ناقص یا نادرست تدابیر آن سیاست ممکن است نتایج منفی را نیز به بار آورد. بدین لحاظ، سیاست ها را باید به مجریان شایسته و کارآمد سپرد. (صادقی، ۱۳۹۸: ۱۱)

۳- مبانی کیفرزدایی

۳-۱- اصل فردی کردن واکنش اجتماعی

اصل فردی کردن مجازات ها، به معنی اعمال مجازات متناسب با شخصیت و ویژگی های جسمی، روانی و اجتماعی فرد مجرم است. یعنی باید هر مجرم بر اساس ویژگی های شخصیتی خودش مجازات شود. باید به جایگاه اجتماعی مجرم، سابقه کیفری مجرم و... نیز توجه شود و در مجازات هرکس این ویژگی ها در نظر گرفته شود. بنابراین بر اساس اصل فردی سازی مجازات ها برای اینکه تأثیرگذاری مجازات به شکل مطلوب انجام شود جزای یک جرم برای یک فرد به شکلی و برای فرد دیگر با شیوه ای متفاوت اعمال شود.

مهمترین فایده آن، همان ممانعت از تکرار جرم و دوباره آلوده شدن مرتکب است. لذا در سیاست جنایی امروزی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها روند انعطافی خاصی در جهت کیفرزدایی و فردی کردن مجازات ها به منظور حمایت از کرامت انسانی شخصیت بزهکار و بازسازی اجتماعی او در پیش دارد.

مفاد ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تنها بیانگر اصل فردی کردن مجازاتها است و این ماده بدون در نظر گرفتن یک مجازات خاص، نسبت به تمامی جرایم و تمامی مجرمین اعمال می شود (توجهی و ابراهیم وند، ۱۳۹۶: ۴۶).

۳-۲- بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم

بازدارندگی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه ی جرم است، یعنی استفاده از مجازات به عنوان بازدارنده - ای که مانع تکرار جرم از سوی مجرم شده و نیز به شکل کلی انگیزه ی دیگران را برای ارتکاب همان جرم کاهش دهد. (تیب، ۱۳۸۴: ۲۵۲)

بدین معنا که بازدارندگی در رویکردی هنجار محور خواستار تقویت ارزش هایی معین است و در همین راستا در یک بخش به مجازات متوسل شده و در بخش دیگر دست به دامان تهدید به مجازات متخلف است.

این مفهوم، در معنای اصطلاحی خود در عرصه جرم شناسی عبارت است از هراس برآمده از مجازات که سبب می گردد، مجرم بالفعلی که تحت مجازات واقع می شود و مجرمان بالقوه ای که شاهد اجرای آن نسبت به مرتکب هستند، از جرم دوری کنند، چرا که با سنجش بخردانه موقعیت، نتایج ناخوشایند حاصل از جرم را بر ثمرات مطلوب آن برتر می بینند. بدین سان بازدارندگی تأثیری است که بر اراده ی اشخاص اعمال می شود و این عامل تأثیر گذار، گاه خود عمل مجازات و گاه تصور آن است، تصویری که با انتظار وقوع یک شر مشابه می شود. (فریدمن، ۱۳۸۶: ۱۶-۲۳)

در واقع فایده ای که مجازات برای جامعه به ارمغان می آورد تهدید مجرمین بالقوه برای دست کشیدن از ارتکاب جرم و تهدید مجرمی که مجازات علیه او اجرا شده، به عدم تکرار جرم است. (فلچر، ۱۳۸۹: ۶۸)

به عبارتی در مسیر بازدارندگی، جامعه با مجازات کردن مجرمان دستگیر شده به مجرمان احتمالی هشدار می دهد که فکر ارتکاب جرم را از سر بدر کنند، چرا که همین سرنوشت در انتظار آنان نیز خواهد بود و این همان معنای بازدارندگی عمومی است، که محصول طلایی پیشگیری از جرم را با خود به ارمغان دارد، به علاوه خود مجرم نیز با

تحمل مجازات متوجه خواهد شد که هرگاه در آینده باز هم مرتکب جرم شود، همین سرنوشت شوم و حتی شدیدتر از آن در انتظار اوست. (محسنی، ۱۳۸۶: ۱: ۲۶)

در حقوق کیفری اسلام، «بازدارندگی» به عنوان هدفی عقلایی برای کیفر در انواع بازدارندگی در مرحله مجازات گذاری (مقام تقنین) و بازدارندگی در مقام مجازات دهی (مقام قضا) که به آنها بازدارندگی اولیه و ثانویه اطلاق می کنیم گفته می گردد. (عوا، ۱۳۸۵: ۳۴)

۳-۳- اصلاح و درمان مرتکب در راستای بازپروری وی

از جمله معایب اساسی سیستم عدالت کیفری این است که بزهکار پس از عبور از صافی های دستگاه عدالت کیفری انگ مجرمانه و با برچسب خوری به علت کارکرد و آثار روانی برچسب زنی پس از ورود به جامعه از طرف جامعه فرار شده و به حاشیه جامعه رانده می شود و سپس به علت این که بزهکار شخصیت بزهکاری خود را قبول کرده و آن را ویژگی شخصیتی خود تصور می نماید به نقش آفرینی خود به عنوان یک مجرم و بزهکار ادامه می دهد. بدین سان تعارض و شکاف ایجاد شده بین بزهکار و جامعه علاوه بر این که ترسیم نمی شود بلکه عمیق تر و وسیع تر می گردد.

برنار بولک از کسانی است که تعریف جامع تری از این نگرش به مجازات ارائه داده است. وی در کتاب خود با تأکید بر عبارت اصلاح کردن، هدف از اصلاح را «بهبودی مجرم» یا «دوباره تربیت کردن از طریق تنبیه» به گونه ای که فرد را به سوی پیروی از قواعد اولیه زندگی سوق دهد، عنوان می کند. او تأکید می کند که هدف از بازپروری مجرم، بهبود اخلاقی او نیست و صرف بازگشت به زندگی عادی کافی است. پس هدف اصلی از مجازات (زندان)، بهسازی و بازپذیرسازی اجتماعی مجرم است به گونه ای که مجدداً در خطا و خلاف سقوط نکند. اما در مقابل در دیدگاه اخلاقی مرتکب به لحاظ اخلاقی بدهکار است و بنابراین در زندان ماندن منجر به سزاهای و توبه او می شود. بنابر این مجازاتها و به ویژه زندان، بیش از آنکه با یک نگاه علمی نگریسته شود، مشمول نگرشی اخلاقی است؛ یعنی انتظار می رود که وجدان زندانی در داخل زندان آگاه و بیدار شود و این بیداری او را به سمت توبه و ندامت هدایت کند. این رویکرد که فاقد ملاحظات جرم شناختی است. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۵)

۳-۴- رویکردهای کیفرزدایی و ارتباط آن با جرم زدایی

اصطلاح کیفر زدایی بیشتر در ادبیات مربوط به برنامه های کنترل اعتیاد (مواد مخدر مخصوصاً ماری جوانا و الکل) و جرایم جنسی (همجنس بازی، سقط جنین، روسپیگری) استفاده می شود، مفهوم و گستره آن مورد اختلاف است و سه رویکرد «مسیر محور»، «کامل» و «جزئی» در رابطه با مفهوم و گستره سیاست کیفر زدایی استخراج کردنی است. در کیفر زدایی مسیر محور، مسیر رسیدگی های قضایی به گونه ای مدیریت می شود که در نهایت منجر به محکومیت کیفری و اعمال مجازات نشود. در این معنا، کیفر زدایی به طور تقریبی با مفهوم قضازدایی پیوند می خورد. در برخی از آثار، کیفر زدایی اعم از قضازدایی و تعقیب زدایی در نظر گرفته شده است.

در حالی که در آثاری دیگر، شامل تدابیر منجر به تعقیب زدایی دانسته شده است. با وجود این، در بسیاری از آثار، کیفر زدایی مترادف با قضا زدایی است، به صورتی که در گزارش ششمین کنفرانس وزیران دادگستری اروپا، فرایند کیفر زدایی شامل انتقال جرایم کیفری به حوزه امور اداری و مدنی است. دلماس مارتی نیز کیفر زدایی را شامل تدابیر قضا زدایانه دانسته است. حتی در برخی از نوشتگان مربوط به سیاست جنایی و کنترل اعتیاد، یکی از راهبردهای متداول کیفر زدایی در این زمینه، قضا زدایی یا دادگاه های اعتیاد دانسته شده است؛ بنابراین در این برداشت کیفر زدایی اعم از قضا زدایی است که با وجود تفاوت در برداشت ها، به طور غیر مستقیم از اعمال کیفر اجتناب می شود. (صادقی، ۱۳۹۸: ۱۳)

با وجود تفاوت در برداشت های یادشده در خصوص نسبت میان کیفر زدایی و جرم زدایی (ترادف یا عموم و خصوص مطلق)، وجه مشترک آن خواهد بود که این فرایند منجر به زدایش کامل (حذف) مجازات خواهد شد. به بیان دیگر، به تبع زدودن وصف جرم از رفتار، کیفر آن نیز از میان خواهد رفت. (صادقی، ۱۳۹۸: ۱۴)

گونه دیگر کیفر زدایی کامل، قانونمند سازی است. قانونی شدن فرایندی است که فعالیت قانونی مشخصی را که قبلاً غیرقانونی و ممنوع و یا به طور دقیق تنظیم شده بود تحت کنترل قانون در اختیار داشته باشد. مثلاً استفاده از روش های پیشگیری از بارداری، ازدواج بین همجنسها و اعتراضات سیاسی (Brown، ۲۰۰۷: ۲۲۵-۲۲۳).

در این زمینه، جرم زدایی و قانونی شدن به طور مترادف به مقررات زدایی کامل اشاره دارند و دولت دیگر هیچ دلیلی برای مجازات آن رفتار به هیچ وجه ندارد. بنابراین، در قلمرو کیفرگذاری، جرم زدایی به معنای قانونی بودن نیست. در عوض، این نشان دهنده کاهش یا حذف مجازاتهای کیفری سنتی برای رفتاری که ممنوع است می باشد. قانونی شدن نشان دهنده یک اقتدار نظارتی کشور، از بین بردن قدرت دولت برای مجازات برخی از انتخاب های فردی و گسترش همزمان آزادی و حریم خصوصی است. در مقابل، جرم زدایی به نگرانی متناسب بودن در مورد نحوه مجازات، و محکوم کردن حبس به نفع سایر ابزارهای کیفری که سریعاً مجازات هستند، می پردازد (Natapoff، ۲۰۱۹: ۱۰۶۵).

به این ترتیب جرم زدایی در دو معنای جرم زدایی کامل (سلب عنوان مجرمانه از رفتار یا رفتارهای معین) و جرم زدایی ناقص (سلب کیفر از جرم یا جرایم) به کار می رود. گاهی جرم زدایی را تحت عنوان اتهام زدایی هم به کار برده اند. (گسن، ۱۳۷۰: ۲۰)

در واقع، خود جرم زدایی می تواند به دو شکل مختلف تقسیم شود. "جرم زدایی کامل" هنگامی اتفاق می افتد که یک جرم به طور کامل از متن مجرمانه خارج شود و به عنوان یک جرم مدنی طبقه بندی شود. "جرم زدایی جزئی" هنگامی اتفاق می افتد که یک جرم از نظر ماهیت جنایی باقی بماند، اما احتمال حبس به عنوان مجازات برداشته می شود. (Natapoff، ۲۰۱۳: ۱۰۶۷).

شکل دوم نیز به صوت جرم زدایی خالص و طبقه بندی مجدد نمود پیدا می کند. «جرم زدایی خالص» همچنین می تواند تحت عنوان قانونی باشد، جایی که کلیه تنظیمات قانونی یک رفتار برداشته می شود. سرانجام، «طبقه بندی مجدد

« شامل تغییر جرم از قلمرو جنایی به قلمرو مدنی است، جایی که رفتار تنظیم می شود، اما مجازات های کیفری با جریمه های مدنی جایگزین می شوند. (Woods، ۲۰۱۹: ۶۷۵، ۶۷۲)

در رویکرد سوم که در اکثر آثار در نظر گرفته شده است، کیفر زدایی به معنای کاهش سطح مجازات در مورد برخی از جرایم خاص (عموماً جرایم خرد) در نظر گرفته شده است، به صورتی که در گزارش جرم زدایی شورای اروپا، کیفر زدایی شامل تعدیل کیفر یعنی الغای مقررات کیفر گذار و کیفر دهی در سطحی کمتر است. در واقع، این فرایند از طریق تعدیل کیفر گذاری و کیفر دهی انجام پذیر دانسته می شود. بر این اساس، منظور از تعدیل کیفر گذاری کیفر زدایی قانونی آن است که مجازات یک جرم به لحاظ کیفیت یا کمیت در قانون تعدیل شود. در فرایند تعدیل کیفر دهی (کیفر زدایی قضایی یا واقعی) نیز با وجود آن که ضمانت اجراءهای کیفری یک جرم در قانون مشخص شده اند، به استناد همان قانون یا قوانین دیگر، نهادها و ساز کارهایی تعیین می شوند تا دادرس به طور اختیاری یا اجباری کیفر قانونی را مورد جرح و تعدیل قرار دهد تا از جنبه کیفی یا کمی از شدت آن کاسته شود. از این رو، این نوع کیفر زدایی در اختیار دادرسان است و جنبه قضایی دارد. (صادقی، ۱۵: ۱۳۹۸)

۴- انواع کیفرزدایی

کیفرزدایی یعنی فرایندهایی که در جهت رهایی بخشی یک یا چند شخص در معرض مجازات، از تحمل کیفر می باشد و شامل انواع کیفرزدایی قانون گذارانه و کیفرزدایی قضایی می شود. (آنسل، ۱۰۵: ۱۳۷۵)

کیفرزدایی قانون گزارانه، شفافترین نوع کیفرزدایی به نظر می رسد که گاه با اقداماتی همچون افزودن قید یا قیودی به عناصر سازنده جرم، تأکید مضاعف بر اصل برائت و آثار آن که گاه سبب خروج از ضوابط استناد به یک اصل عملی نیز شده و آثاری غیر واقعی برای آن فرض گردیده است (آشوری و دیگران، ۳۴۸: ۱۳۸۳) و یا مقابله با اماره مجرمیت یا گسترش آن، تبدیل عنوان یک عمل مجرمانه از جنایت به جنحه یا خلاف و گاه با قضازدایی و جایگزینی برخوردهای مدنی، ادواری، تربیتی و به ویژه اجتماعی با متهم به جای برخورد کیفری، صورت می پذیرد.

از سوی دیگر کیفرزدایی به طریق قضایی آن، نتیجه کوشش مقامات قضایی همچون قاضی، دادستان یا بازپرسی است که می تواند مثلاً با اقداماتی همچون صدور قرار تعویق تعقیب به گونه ای عمل نماید که شخص مورد اتهام اصلاً مجازات نگردد و یا لااقل مجازات خفیف تری را تحمل کند و نوعی کیفرزدایی نسبی را فراهم سازد؛ به این معنا که کیفر زایل شده صرفاً در مقایسه با کیفری که در صورت عدم اعمال کیفیات مخففه اختیاری قاضی، قابل درک باشد و بدون مقایسه با آن کیفرزدایی نشده زیرا مجازات مخفف همچنان اعمال می شود.

در واقع در کیفرزدایی قضایی ممکن است این اختیار به قاضی داده شود که در حین صدور حکم، از میان دو مجازات پیش بینی شده هر کدام را به صلاح تشخیص دهد اعمال نماید.

شکل دیگر کیفرزدایی قضایی، ممکن است در حین تعقیب تحقق یابد، این امر در برخی از سیستم‌های حقوقی، با توجه به نقش مهمی که پلیس و دادسرا در کنار دادگاه‌ها ایفا می‌کنند، این صلاحیت و اختیار را به آنها داده است که در برخی موارد و با احراز شرایطی از ورود به فرآیند کیفری جلوگیری بعمل آید.

تقسیم بندی دیگر، تقسیم بندی بر مبنای امکان ارزیابی است. در این صورت کیفرزدایی به دو شکل ناخودآگاه و ارادی تقسیم می‌شود؛ کیفرزدایی ناخودآگاه، فرآیندی است که گرایش به کاهش یا حذف مجازات‌ها نسبت به اشخاص یا نسبت به رفتارهای معین دارد، بدون این‌که از لحاظ حقوقی، هیچ قدرت ارزیابی درباره توسل به آنها وجود داشته باشد. برعکس، در کیفرزدایی اختیاری یا آگاهانه، فرآیندی در پیش گرفته می‌شود که به کاهش یا حذف اجرای مجازات‌ها نسبت به اشخاص یا رفتارهای معین گرایش دارد و در آن نظارت بر ارزیابی و برآورد تناسب یک چنین راه حلی توسط برخی نهادهای اجرای قانون لحاظ می‌گردد. (محسنیان، ۱۳۸۴: ۲۶)

۵- فرآیند کیفرزدایی

با توجه به مفهوم کیفر زدایی و با عنایت به قوانین، مقررات و رویه های قضایی مرتبط با تعدیل کیفر دهی، نقش مجریان دخیل در اجرای این سیاست را می توان در پنج سطح «خط مشی»، «تعیین کیفر»، «پیشنهاد»، «نظارت» و «حمایت» بازشناسی کرد و با ارزیابی وضعیت فعلی، پیشنهادهایی برای اجرای موفق تر این سیاست ارائه کرد.

۵-۱- سطح خط مشی؛ ریاستی - مدیریتی

منظور از سطح خط مشی آن تدابیر و اقداماتی است که از سوی رئیس قوه قضائیه انجام پذیر هستند تا سیاست کیفر زدایی با دقت، سرعت، وسعت و جامعیت بیشتری به مرحله اجراء در آید، به صورتی که در دوران گذشته و فعلی قوه قضائیه کنش های معناداری در چارچوب رهنمود، بخشنامه، دستورالعمل و تدوین لوایح قضایی مرتبط با کیفر زدایی و به خصوص زندان زدایی انجام شده اند.

۵-۲- سطح تعیین کیفر؛ کیفردهی کمیته

در نظام عدالت کیفری، دادرسان مجریان اصلی سیاست های کیفری هستند. آنان با آراء و تصمیمات خود سیاست های کلان قضایی را در عالم واقع نمودار می سازند و میزان قابلیت اجراء و ضعف و قوت سیاست ها را به سیاستگذاران نشان می دهند و به آن عینیت می بخشند.

۵-۳- سطح پیشنهاد

در فرایند اجرای سیاست کیفر زدایی، منظور از سطح پیشنهادسازی آن است که در این سامانه، کنشگرانی وجود دارند که به طور مستقیم به اعمال تدابیر کیفرزدا نمی پردازند، بلکه کار کرد آنها بررسی وضعیت محکوم به کیفر (عموما حبس) و در صورت احراز شرایط لازم، ارائه پیشنهاد به مقامی دیگر است تا آن مقام پیشنهاد را بررسی کند و در

صورت لزوم، اعمال یک نهاد ارفاقی را تأیید نماید. در این سطح، نقش دادرس اجرای احکام کیفری، کمیسیون عفو و بخشودگی و شوراهای مربوط به زندانیان واکاوی می شود.

۴-۵- سطح نظارت

با توجه به اینکه ممکن است سیاستگذاری و قانونگذاری در زمینه سیاست های کیفری با چالش های اجرایی مواجه باشند، ضروری است نهاد یا نهادهایی به منظور نظارت بر حسن اجرای آنها تعیین شوند تا با شناسایی عوامل فردی یا سازمانی مشکلات، تدابیر لازم پیش بینی شوند. به طور خلاصه در زمینه نظارت بر اجرای سیاست کیفر زدایی سه نهاد دیوان عالی کشور، دادستانی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات نقش آفرین هستند.

۵-۵- سطح حمایتی

حامیان مالی زندانیان غیر عمد با توجه به جمعیت بالای زندانیان در کشور، نهادها و خیریه هایی متعدد به منظور کاهش آسیب های ناشی از زندان بر خانواده زندانی و نیز کمک مالی به زندانیان نیازمند در محکومیت های مالی (با تمرکز بر دیه، مهریه و نفقه) نقش آفرین هستند. تمرکز این نهادها بر کاهش جمعیت کیفری محکومان مالی با عنوان عمومی «زندانیان غیر عمد» مطرح است. (صادقی، ۱۳۹۸: ۱۵)

۶- مصادیق کیفر زدایی در حقوق کیفری ایران

یکم - سقوط قصاص با عفو مجنی^۱ علیه پیش از مرگ و حبس محکوم علیه:

با توجه به ماده ۳۶۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲: «در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی علیه می تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی توانند پس از فوت او، حسب مورد، مطالبه قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می شوند».

دوم - کیفر زدایی یا تعلیق اجرای مجازات (سیاستی کیفری برای جایگزین حبس)

تعلیق اجرای مجازات بر مبنای ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲

۱- تعلیق در مرحله صدور حکم در دادگاه

در اجرای مواد ۴۶ به بعد ق.م.ا. ۱۳۹۲، در جرایم تعزیری درجه (۳) تا درجه (۸) دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مذکور برای تعویق صدور حکم (ماده ۴۰ ق.م.ا.) اجرای تمام یا بخشی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید.

۲- تعلیق با پیشنهاد مقامات قضایی در مرحله اجرای حکم

دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرایی یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید.

۳- تعلیق در زمان اجرای مجازات

مجرم می تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، شخصاً از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.

سوم - کیفرزدایی با اعطای آزادی مشروط به زندانیان

نظام آزادی مشروط، براساس ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲

در اجرای ماده ۵۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ درباره محکومیت‌های به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف مدت مجازات و در سایر موارد (مانند محکومان به حبس ده سال و کمتر از آن) پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط مقرر در قانون حکم به آزادی مشروط متقاضی صادر کند.

چهارم - نظام نیمه آزادی

در اجرای ماده ۵۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، نظام نیمه آزادی، شیوه ای است که براساس آن محکوم علیه می‌تواند، در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر این ها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود. برخورداری از نظام نیمه آزادی اختیاری است و به حبس‌های تعزیری درجه (۵) تا (۷) اختصاص دارد.

پنجم - تبدیل کیفر سرقت مستلزم حد به حبس تعزیری

در صورت فقدان یکی از شرایط تحقق سرقت مستلزم حد (قطع چهار انگشت دست راست، قطع پای چپ، حبس و اعدام) موضوع ماده ۲۶۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ کیفر سرقت مستوجب حد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری است (ماده ۲۷۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲).

ششم - الغای کیفر زنا در موارد وطی به شبهه:

در اجرای ماده‌ی ۱۲۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲ در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و کذب، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم با شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

هفتم - تعدیل اجرای حکم شلاق بر مریض

قاضی اجرای احکام کیفری در صورت ادعای محکوم دایر بر وجود مانع پزشکی برای اجرای مجازات شلاق، وی را به پزشکی قانونی معرفی می‌کند. هرگاه به تشخیص پزشک قانونی امید به رفع مانع باشد، تا زمان بهبودی اجرای مجازات شلاق به تعویق می‌افتد و در غیر این صورت، در شلاق تعزیری وفق ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام می‌شود و در شلاق حدی به دستور دادگاه با یک دسته ترکه یا شلاق (ضغث) که به تعداد ضربات حد است، فقط یک بار به محکوم زده می‌شود، هرچند همه آن‌ها به بدن او نرسد. (ماده ۱۳۰ آیین نامه اجرای احکام حدود...). چنان چه

پزشکی قانونی اجرای شلاق حدی بر قسمتی از بدن محکوم را بلا مانع بداند، بر اساس این نظر اقدام می شود و نوبت به ضغث نمی رسد. (تبصره ماده ۱۳۰ آیین نامه اجرای احکام حدود...)

هشتم - سقوط کیفر با عفو یا تخفیف مجازات محکومان توسط رهبری

طبق ماده ۹۶ ق.م.ا.، عفو یکی از ابزارهای سقوط مجازات است که در کشور ما در راستای اجرای بند ۱۱ اصل ۱۱۰ ق.ا.ج.ا.ا. برقرار شده است که توسط مقام معظم رهبری و به پیشنهاد رئیس قوه قضاییه صورت می پذیرد. ارائه این پیشنهاد تنها از طریق رئیس قوه قضاییه امکان پذیر است و در راستای انجام این اختیار آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف و تبدیل مجازات در سال ۱۳۸۷ تصویب و توسط رئیس وقت قوه قضاییه، به اجرا درآمد. در این آیین نامه در راستای هدفمندی عفو تعدادی از محکومان از جمله قاچاقچیان حرفه‌ای، سارقان مسلح، متجاوزان به عنف، مرتکبان جرایم حق الناسی و جرایم مستوجب حد شرعی اعدام (مشروط به اینکه جرم آنان با شهادت شهود عادل ثابت شده باشد) و مرتکبان جرایمی از قبیل جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشا و آدم‌ربایی از شمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات مستثنا شده‌اند و برای اولین بار تبدیل مجازات حبس به مجازات‌های دیگر مانند جریمه نقدی در نظر گرفته شده است.

بر اساس ماده ۲۵ آیین نامه عفو و تخفیف مجازات شرایطی برای عفو، تخفیف و تبدیل مجازات در نظر گرفته شده است. محکومان حائز این شرایط عبارتند از: ۱- محکومان به اعدام که مجازات آن‌ها با استفاده از عفو به حبس ابد تبدیل شده، در صورت تحمل حداقل ۱۰ سال حبس از تاریخ عفو قبلی ۲- محکومان به حبس ابد پس از تحمل ۱۰ سال حبس ۳- محکومان به حبس ابد که حبس آنان به ۱۵ سال تقلیل یافته، پس از گذشت ۵ سال از تاریخ عفو قبلی ۴- محکومان غیر از حبس ابد در صورت تحمل یک‌سوم باقی مانده از مدت حبس از تاریخ عفو قبلی.

نهم - سقوط مجازات با پذیرش توبه

پیش بینی توبه به عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات در بخش کلیات، یکی از دستاوردهای قانون مجازات جدید است که به واسطه ی حدوث آن، به رغم وقوع جرم و تحقق مسئولیت کیفری و انتساب بزه به مرتکب، موجبات معافیت از مجازات را فراهم آورده و تطبیق بهتر قانون با واقعیت‌های اجتماعی و بستر سازی اصلاح مجرمان را به ارمغان آورده است.

توبه در قانون جدید دارای ابداعاتی است. بدین صورت که در قانون برخلاف قانون سابق توبه به صورت یک قاعده است تا استثنا و ابداع دیگر آن است که به رغم شدت عمل قانون گذار در کذب به جهت ماهیت آن، مرتکب در جرایم خشونت بار و جنسی همراه با عنف و اکراه می تواند با اظهار ندامت و توبه از مجازات رهایی یابد و تنها در زنا و لواط، به مجازات تعزیری محکوم شود که این در حالی است که مطابق ق.م.ا.س.، قاضی می توانست تقاضای عفو مرتکب را از ولی امر بنماید و یا حد را جاری کند.

دهم - تخفیف و یا تبدیل مجازات تعزیری و یا بازدارنده

کیفیات مخففه مجازات عنوان علمی، نظام تخفیف و تبدیل مجازات ارفاقی و در جهت حمایت متهم است. ماده ۳۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ می گوید: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف - تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب - تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ - تبدیل انفصال دایم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت - تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر».

جهات تخفیف موضوع ماده ۳۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ می باشد و عبارتند از:

الف - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب - همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیای حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

پ - اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت - اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث - ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج - کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

چ - خفیف بودن زیان وارده یا نتایج زیانبار جرم

ح - مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم»

تبصره ۱ ماده ۳۸ می گوید: «دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند»

منظور این است که گاهی عواطف انسانی با منطق قانونی و اخلاق فردی و اجتماعی متفاوت است. در جرایم جنسی سن بالای مرد یا زن ممکن است از موجبات جلب ترحم و دلسوزی برای دیگران تلقی شود، در حالی که شور و هیجان نوجوانی، عرفاً موجب تخفیف مجازات و توجیه ارتکاب جرایم جنسی نوجوانان باید تلقی شود و واکنش شدید علیه نوجوانان باید قابل اغماض و تسامح و تساهل نسبت به آنان شود. در همین حال، تبصره ۲ ماده ۳۸ قانون ۱۳۹۲ هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد قانونی خاصی پیش بینی شده باشد دادگاه را از تخفیف دوباره به موجب همان جهات ممنوع نموده است. ماده ۳۹ قانون یادشده معافیت از کیفر را نیز تجویز نموده است و می گوید: «در جرایم تعزیری درجه های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف، چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص

دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند»

یازدهم - سقوط کیفر با فرار محکوم به رجم یا شهود

هرگاه محکوم به رجم از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند، در صورتی که زنای او با شهادت ثابت شده باشد، برای اجرای حد رجم برگردانده می شود و اگر با علم قاضی یا اقرار ثابت شده باشد، محکوم برگردانده نمی شود (ماده ۵۷ آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود...)

دوازدهم - تبدیل حد سرقت به حبس با تحویل مال مسروق

در سرقت مستلزم حد، در صورتی که سارق پس از ارتکاب و قبل از اثبات سرقت مال مسروق را در ید مالک قرار داده باشد، کیفر حد سرقت ساقط می شود و از شمول سرقت حدی خارج می گردد (ماده ۲۶۸ ق.م.ا). سرقت در صورت فقدان هریک از شرایط موجب حد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری است (ماده ۲۶۷ ق.م.ا). در مورد معاونت در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، در صورتی که در شرع یا قانون مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد حبس تعزیری درجه پنج یا شش اعمال می شود. (بند ب ماده ۱۲۷ ق.م.ا، ۱۳۹۲). مجازات سرقت های تعزیری نیز در ماده ۶۵۱ به بعد قانون مجازات قسمت تعزیرات آورده شده است.

سیزدهم - سقوط کیفر یا تخفیف آن در جرایم حق الناسی

در جرایم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوص حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است. جرایم قابل گذشت، جرایمی می باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است (ماده ۱۰۰ ق.م.ا)

علاوه بر جرایم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد قذف قانون مجازات اسلامی و جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرایم مندرج در قسمت اخیر ماده ۵۹۶ و مواد ۶۰۸، ۶۲۲، ۶۳۲، ۶۴۲، ۶۳۳، ۶۴۸، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۴، ۶۹۲، ۶۹۰، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹ و ۷۰۰ از کتاب پنجم تعزیرات نیز قابل گذشت محسوب می شوند.

چهاردهم - سقوط کیفر با اعمال قاعده درأ

یکی از مشهورترین قواعد فقهی، قاعده درأ است که با عبارت های گوناگونی در کتب فقهی دیده می شود: «تدرأ الحدود بالشبهات» یا «الحدود درأ بالشبهات» و یا «ادرائوالحدود بالشبهات» همگی دلالت بر قاعده ی درأ دارند. این قاعده ضمن همتایی با قاعده ی تفسیر به نفع متهم در حقوق جزای عرفی، متضمن انتفای جرم و مجازات در جایی است که وقوع جرم، یا انتساب آن به متهم و یا مسئولیت و استحقاق مجازات وی محل تردید است.

در قانون جدید طبق ماده ۱۲۰ ق.م.ا.، قاعده ی درأ یکی از ابزارهای سقوط مجازات است. به نظر می رسد برای استفاده از قاعده درأ باید در وقوع جرم یا برخی از شرایط آن یا یکی از شرایط مسئولیت کیفری باید شبهه یا تردید کنیم تا بتوانیم از قاعده درأ استفاده کنیم.

البته ماده به گونه ای تقریر شده است ک نشان می دهد شبهه در ذهن مرجع قضایی ایجاد شده است و او باید نتیجه بگیرد جرم در عالم خارج واقع نشده است یا مسئولیت کیفری محقق نیست. از آن جایی که قاعده ی درأ به نحو قابل توجهی همگام با اصل برائت می باشد که بر مبنای آن، تا زمانی که برای قاضی ارتکاب تمامی اجزای عنصر مادی و همین طور عنصر معنوی جرم اثبات نشده یا مورد شبهه و تردید می باشد، بی گناهی مرتکب اصل است و در این گونه موارد همواره باید اصل را مورد توجه قرار داد.

انتخاب کیفر مناسب در پیشگیری از جرم اثر به سزایی دارد. برای یک جرمی که بسیار نظم جامعه را به هم می زند کیفری سبک می تواند به دلیل نداشتن خاصیت ارعابی و پیشگیری کننده موجبات ارتکاب جرم را فراهم نماید. و همچنین انتخاب کیفری شدید برای جرمی بسیار خفیف موجب می شود که شخص مدت زمان زیادی را در حالت مجازات دیدن سپری کند که خود باعث مایوسی و عدم اصلاح و بازپروری وی می گردد و موجبات ارتکاب جرم های شدید تر را جدید می آورد. بنابراین با دقت و به طور کاملاً سنجیده و اصولی و کارشناسی شده باید کیفر هر جرم را تعیین و مشخص نمود تا به هدف اصلی مجازات که همان پیشگیری از جرم می باشد نزدیک تر شویم.

محدوده اعمال سیاست جنایی کیفرزدایی امروزه یکی از چالش های اساسی در بحث قوانین، این است که توسل بیش از حد به ضمانت اجراهای کیفری، باعث محدود شدن آزادی های افراد شده است. در این میان، کیفرزدایی، بیش از سایر سیاست های عقب نشینی نظام کیفری، مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است؛ زیرا با حفظ وصف مجرمانه برای رفتاری که تنها واکنش کیفری از آن زدوده شده است، محظورات و محدودیت های کمتری نسبت به سایر سیاست ها دارد. در بحث کیفر زدایی چنین نیست که خود جرم منتفی شود. در واقع، فعل یا ترک فعل همانند قبل جرم است، اما از شدت مجازات کم می شود و یا کیفر خاصی برداشته می شود، گرچه از جهات دیگر امکان اعمال کیفر وجود دارد.

کیفرزدایی به عنوان روشی برای بهبود عدالت کیفری و هم به عنوان اقدامی برای کاهش هزینه ها رواج یافته است. کیفر زدایی منافع قابل توجهی را برای تمام دستگاه عدالت کیفری به ویژه متهمان ارائه می دهد. در واقع می توان هدف کیفرزدایی را درین جمله خلاصه کرد: هدف نهایی نظام حقوقی کیفری نمی تواند حذف کیفر باشد اما می تواند کاهش آن باشد.

- آنسل، مارک، ۱۳۷۵، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.
- آشوری، محمد و دیگران، ۱۳۸۳، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
- محمدابراهیم شمس ناتری و علی مجاهد، عوامل و نتایج تورم کیفری و راهکارهای مقابله با آن، فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۷، صفحه ۹۳-۱۲۰
- عاطفه عباسی کلیمانی، عطیه رنگچی تهرانی، جلوه های کیفرزدایی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تأکید بر جرایم خانوادگی، نشریه علمی دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده سال بیست و چهارم/ شماره ۷۰ بهار و تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۱۸۷-۱۷۱
- ولی اله صادقی فرایند کیفر زدایی در نظام عدالت کیفری ایران پژوهش حقوق کیفری، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، پاییز ۱۳۹۸، صفحه ۴۵-۹
- نسرین مهرا، درآمدی بر جرم زدایی، کیفر زدایی و قضا زدایی مقدمه گزارش: «کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی» وابسته به شورای اروپا، مجله تحقیقات حقوقی تابستان ۱۳۷۹ شماره ۲۱-۲۲ صفحه ۳۱۱-۳۰۱
- محسنیان، سید علی (۱۳۸۴)، «کیفرزدایی و جلوه های آن در حقوق جزای ایران»، پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده معارف و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع).
- محمودی، جواد، قضا زدایی و جرم زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری، مجله تخصصی الهیات و حقوق بهار ۱۳۸۵/ شماره ۱۹، صفحه ۱۰۵-۱۲۱
- مرادی پسند، گلناز و بشیریه، تهمورت و غلامی، حسین، مبانی کیفرزدایی میان کنشی اخلاقی فلسفی و حقوقی، پژوهش های اخلاقی - سال دوم - شماره ۳ بهار ۱۳۹۹، صفحه ۲۶۳-۲۸۶
- توجهی، عبدالعلی و ابراهیم وند، حسام، کیفر گذاری و کیفردهی در حوزه ی سلب آزادی در حقوق ایران و انگلستان، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دیدگاه های حقوق قضایی شماره ۷۷ و ۷۸، بهار و تابستان ۱۳۹۶ صفحه ۴۳-۸۵
- تبیت، مارک، (۱۳۸۴)، فلسفه حقوق، حسن رضایی خاوری، چاپ اول، مشهد، موسسه فرهنگی قدس.
- فریدمن، لارنس، (۱۳۸۶)، بازدارندگی، روح الله طالبی آرانی و عسگر قهرمان پور بناب، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- فلچر، جورج پی (۱۳۸۹)، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، چاپ دوم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- محسنی، مرتضی، (۱۳۸۲)، دوره حقوق جزای عمومی (جلد یک)، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.

عوا، محمد (۱۳۸۵)، درآمدی بر اصول نظام کیفری اسلام، ترجمه حمید روستایی صدرآبادی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، ج ۱، قم: انتشارات سلسبیل.

شهرام ابراهیمی، بازپروری عادلانه مجرمان، آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳، بهار تابستان ۱۳۹۱، صفحه ۱۵۰-۱۷۱

حسینی، سیدمحمد، (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و ایران، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه تهران

گسن، ریموند. (۱۳۷۰)، مقدمه ای بر جرم شناسی. ترجمه: مهدی کی نیا. انتشارات مترجم

زینالی، امیر حمزه، احمدی، علی (۱۳۸۳)، «سازمان تعزیرات حکومتی؛ از قضازدایی تا کیفرزدایی و رعایت حقوق متهمان و بزهدیدگان»، شماره ۴۸ و ۴۹

Alexandra Natapoff, Misdemeanor Decriminalization, vol^{۶۸} Vanderbilt Law Review issue ۴ (۲۰۱۹)

Alexandra Natapoff, Gideon Skepticism, ۷۰ WASH.&LEE L. REV (۲۰۱۳).

Buchanan, Julian, “Problem Drug Use and Social Exclusion”, **Journal of Community and Criminal Justice**, ۵۱(۴), ۲۰۰۴.

Darryl Brown, Democracy and Decriminalization, ۸۶ TEX. L. REV. ۲۲۳, ۲۲۵ (۲۰۰۷)

Jordan Blair Woods, Decriminalization, Police Authority, and Routine Traffic Stops, ۶۲ UCLA L. REV. ۶۷۲, ۶۷۵ (۲۰۱۵)

Darryl Brown, Democracy and Decriminalization, ۸۶ TEX. L. REV. ۲۲۳, ۲۲۵ (۲۰۰۷)